

## تأثیر مهارت زبانی بر شدت ناروانی در دانش‌آموزان دوزبانه مبتلا به لکنت

**هدف:** هدف مطالعه حاضر بررسی نقش مهارت زبانی در میزان ناروانی دوزبانه‌های کرد-فارس دچار لکنت می‌باشد. **روش:** در این مطالعه تحلیلی، ۳۱ دانش‌آموز دو زبانه (کردی-فارسی) دچار لکنت با میانگین سنی ۱۰ سال و نه ماه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. مهارت زبانی و شدت ناروانی دو زبان از لحاظ شاخص‌های پیچیدگی زبان، غنای واژگانی و معیار ناروانی‌های شبه‌لکنت به کمک تحلیل گفتار پیوسته به دست آمد و با هم مقایسه شد. **یافته‌ها:** پیچیدگی زبانی زبان فارسی (شامل میانگین طول گفتار، طول پنج جمله طولانی، تعداد افعال جمله و تعداد بندهای وابسته در جمله) به‌طور معنادار بیشتر از کردی و غنای واژگانی آن نیز بیشتر از کردی است، اما این تفاوت معنادار نیست. شرکت‌کنندگان در هر دو زبان لکنت داشتند، اما شدت لکنت آنها در زبان فارسی بیشتر از کردی بود. **نتیجه‌گیری:** در این تحقیق، زبان غالب نمونه، فارسی بود که دلیل آن را باید در آموزش مداوم و فشرده آن به دانش‌آموزان جست‌وجو کرد. عدم آموزش زبان مادری به این دانش‌آموزان در مدرسه، یادگیری آنها را ضعیف و شرایط را برای یادگیری دوزبان نابرابر کرده بود. شدت ناروانی زبان غالب (فارسی) بیشتر بود که دلیل این وضعیت را باید در عوامل اجتماعی- روان‌شناختی مؤثر بر لکنت (مانند نگرش شرکت‌کنندگان به زبان و فرهنگ فارسی، و انگیزه آنها برای یادگیری آن) دنبال نمود. ارتباط عاطفی مثبت با زبان مادری هم می‌تواند یکی از دلایل این وضعیت باشد.

**کلیدواژه‌ها:** شدت لکنت، دوزبانگی، مهارت زبانی

## Effect of Language Proficiency on the Severity of Dysfluency in Bilingual Students Who Stutter

**Objective:** The aim of this study was to examine the effect of language proficiency in the severity of dysfluency in Kurdish-Persian bilingual stutterers. **Methods:** In the analytical study, 31 Kurdish-Persian stuttered students with a mean age of 10 years and nine months were selected using convenience sampling. Language proficiency and the severity of dysfluency in the two languages with regard to indexes of language complexity, lexical diversity and Stuttering-like Dysfluencies Scale, were obtained using analysis of spontaneous speech, and were compared together. **Results:** Language complexity in Persian, (including Mean Length of Utterances, length of five long sentences, number of verbs in the sentence, and number of dependent clauses in the sentence) were higher than in Kurdish significantly. Also, lexical diversity was higher in Persian than in Kurdish, but the difference was not significant. Participants stuttered in both languages, and the severity of dysfluency was higher in Persian than in Kurdish. **Conclusion:** The dominant language was Persian, due to incessant and compacted training of the language to students. Lack of teaching the mother tongue to these students at school, had weakened their learning, and brought about unequal conditions for learning both languages. The severity of dysfluency was higher in the dominant language (Persian), due to psychosocial factors (such as the participants' viewpoints on Persian culture and language, and their motivation for learning it). Probably due to the provision of courses in Persian, the participants' negative experiences regarding this language were higher and they had a more severe stuttering in this language for the same reason. A positive emotional relationship with the mother tongue could also be one reason for this condition.

**Hiva Mohamadi**  
Masters in Speech Therapy,  
Kermanshah University of Medical  
Sciences  
**Reza Nilipour**  
<sup>2</sup>PhD in Linguistics, Basic Science  
Research Center  
**Masoud Karimloo**  
PhD in Speech Therapy,  
University of Health Science and  
Rehabilitation  
**Fariba Yadgari**  
PhD in Statistics, University of  
Health Science and Rehabilitation

**Keywords:** stuttering severity, bilingualism, language proficiency

Email: hiva.mohamadi@gmail.com

## مقدمه

دخیل می‌دانند (آندرسون و کانتر<sup>۲۹</sup>، ۲۰۰۰؛ بلودشتاین<sup>۳۰</sup>، ۲۰۰۶؛ بلودشتاین، ۱۹۹۵).

بر اساس گزارش برخی پژوهشگران، بین فرآیند دوزبانگی و یادگیری زبان دوم در سنین کودکی و ابتلا به لکنت ارتباط وجود دارد (کارنیول<sup>۳۱</sup>، ۱۹۹۲؛ ون بورسل و همکاران، ۲۰۰۱؛ هاول، دیویس و ویلیامز<sup>۳۲</sup>، ۲۰۰۹). در تأیید یا رد این نظریه گزارش‌ها محدود و ضد و نقیض است. برخی پژوهشگران گزارش کرده‌اند که لکنت در دوزبان‌ها شایع‌تر از یک زبانه‌هاست (تراویس<sup>۳۳</sup>، جانسون<sup>۳۴</sup> و شاور<sup>۳۵</sup>، ۱۹۳۷؛ استرن<sup>۳۶</sup>، ۱۹۴۸؛ کارنیول، ۱۹۹۲). همچنین، اعلام شده است که دوزبان‌های مبتلا به لکنت، موارد بالینی، ایده‌آلی برای ارزیابی اعتبار نظریه‌های زبان شناختی لکنت هستند (رتنر<sup>۳۷</sup> و بنیتز<sup>۳۸</sup>، ۱۹۸۵). توجه به لکنت دوزبان‌ها از منظر بالینی، به دلیل جمعیت زیاد افراد دوزبان در جهان (بیش از ۵۰ درصد) (ون بورسل و همکاران، ۲۰۰۱) و تنوع بسیار زیاد آن در ایران، بسیار اهمیت دارد. با وجود اهمیت نظری و بالینی، یافته‌های موجود در زمینه ماهیت لکنت در افراد دوزبان و عوامل مؤثر بر آن بسیار کم، متناقض، پراکنده و تعمیم‌ناپذیر بوده و نیازمند پژوهش‌های بیشتر است (ون بورسل، میرلان<sup>۳۹</sup>، آکتین<sup>۴۰</sup>، وینگرهاتس<sup>۴۱</sup> و سانتنس<sup>۴۲</sup>، ۲۰۰۹).

یکی از سؤال‌هایی که هنوز به آن پاسخ روشنی داده نشده است، چگونگی ماهیت ناروانی‌های کلامی فرد دوزبان مبتلا به

زبان دوم به زبانی گفته می‌شود که پس از کسب مهارت نسبی در زبان اول فراگرفته شود (اگرادی<sup>۱</sup>، دابروولسکی<sup>۲</sup> و آرنف<sup>۳</sup>، ۱۳۸۰). ماهیت دوزبانگی نسبی است و به عوامل فردی، آموزشی و فرهنگی - اجتماعی بستگی دارد (نیلی‌پور، ۱۳۸۱). یکی از عوامل مهم و مؤثر بر ماهیت دوزبانگی، انگیزه زبان‌آموز است (اگرادی و همکاران، ۱۳۸۰؛ نیلی‌پور، ۱۳۸۱). فرد ممکن است با انگیزه پیوند اجتماعی یا استفاده ابزاری، یادگیری زبان دوم را شروع کند. همچنین، نگرش زبان‌آموز که مستقیماً متأثر از انگیزه‌های اوست، نقش مهمی در یادگیری زبان دوم دارد (اگرادی و همکاران، ۱۳۸۰).

پژوهشگران دوزبانگی را بر اساس شیوه فراگیری به دو نوع آموزشی و طبیعی (نیلی‌پور، ۱۳۸۱) و از نظر سن یادگیری زبان دوم، به انواع زود هنگام (کودکی)، میانه (نوجوانی) و دیر هنگام (بزرگسالی) تقسیم کرده‌اند (آ-یونگ<sup>۴</sup>، هاول<sup>۵</sup>، دیویس<sup>۶</sup>، چارلز<sup>۷</sup> و ساکین<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰؛ نیلی‌پور، ۱۳۸۱). بر اساس همزمانی یادگیری زبان‌ها، پدیده دوزبانگی همزمان یا ناهمزمان رخ می‌دهد (ون بورسل<sup>۹</sup>، مایس<sup>۱۰</sup> و فولن<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۱) و بر اساس مهارت زبانی، به دو نوع برابر و نابرابر تقسیم می‌شود (نیلی‌پور، ۱۳۸۱).

لکنت<sup>۱۲</sup> یک اختلال چندبعدی است که به ناروانی و درنگ در جریان آزاد گفتار اطلاق می‌شود (باتل<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۲). علت لکنت هنوز نامشخص است (آتانشیو<sup>۱۴</sup>، آنسلاو<sup>۱۵</sup> و پاکمن<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۸؛ کلس<sup>۱۷</sup>، جانسن<sup>۱۸</sup>، کرایمات<sup>۱۹</sup>، بروتن<sup>۲۰</sup>، ۱۹۹۵؛ کلی<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۰) و پژوهشگران و دانشمندان این حوزه عوامل مختلفی را در بروز آن دخیل می‌دانند. گروهی آن را اختلال کنترل حرکتی گفتار<sup>۲۲</sup> دانسته‌اند (کنت<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۰؛ اینگهام<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۱؛ جونز<sup>۲۵</sup>، وایت<sup>۲۶</sup>، لاسون<sup>۲۷</sup> و آندرسون<sup>۲۸</sup>، ۲۰۰۲) و گروهی عوامل زبان شناختی را در ابتلا به این اختلال

1- O'Grady	2- Dobrovolsky
3- Aronof	4- Au-Yeung
5- Howell	6- Davis
7- Charles	8- Sackin
9- van Borsel	10- Maes
11- Foulon	12- stuttering
13- Battle	14- Attansio
15- Onslow	16- Packman
17- Kloth	18- Janssen
19- Kraaimaat	20- Brutton
21- Kelly	22- speech motor control disorder
23- Kent	24- Ingham
25- Jones	26- White
27- Lawson	28- Anderson
29- Conture	30- Bloodstein
31- Karniol	32- Williams
33- Travis	34- Johnson
35- Shover	36- Stern
37- Ratner	38- Benitz
39- Meirlaen	40- Achten
41- Vingerhoets.	42- Santens

موردی از بیماری که بعد از ضربه مغزی دچار لکنت اکتسابی شده بود، گزارش کردند که شدت ناروانی در زبان غالب بیشتر از زبان غیرغالب بوده است که برای توجیه آن به عوامل مؤثر اجتماعی-روان‌شناختی اشاره کردند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، پژوهش‌های موجود در این زمینه بیشتر گزارش‌های موردی هستند که نتایج متناقضی داشته و بنابراین تعمیم نتایج را دشوار کرده‌اند (ون بورسل و همکاران، ۲۰۰۹). در ایران نیز نبود اطلاعات بومی و پژوهش در زمینه دوزبانگی‌های ایرانی مشهود است، بنابراین در این پژوهش تأثیر مهارت زبانی بر شدت ناروانی‌های دو زبان کردی و فارسی در دانش‌آموزان دوزبانه مبتلا به لکنت مطالعه شد.

## روش

این مطالعه پژوهشی است تحلیلی که در دانش‌آموزان دبستانی (کلاس‌های چهارم و پنجم) دوزبانه مبتلا به لکنت در شهر جوانرود انجام شد. جوانرود شهری است کردنشین در غرب استان کرمانشاه با ۵۰ هزار نفر جمعیت که زبان مادری ساکنان آن کردی سورانی می‌باشد.

روش نمونه‌گیری تمام‌شمار بود که در چند مرحله انجام شد. ابتدا کارشناس گفتاردرمانی یک جلسه توجیهی ۳۰ دقیقه‌ای برای معلمان پایه‌های چهارم و پنجم هر مدرسه برگزار کرد. در این جلسه در مورد اختلالات گفتار و زبان، و علایم آن با محوریت اختلال لکنت، توضیحات لازم به شرکت‌کنندگان داده شد. در مرحله بعد از آنها خواسته شد که دانش‌آموزان مشکوک به اختلالات گفتار و زبان را شناسایی و به کارشناس گفتاردرمانی معرفی کنند.

به این ترتیب، تمام موارد مشکوک به اختلالات گفتار و زبان به روش ارجاع معلم شناسایی و وارد مرحله بعد شدند. در این مرحله تمام دانش‌آموزان معرفی شده، به وسیله کارشناس گفتاردرمانی به ترتیب زیر مورد ارزیابی دقیق قرار گرفتند:

لکنت و نیز عوامل مؤثر بر آن است. پژوهشگران برای پاسخ به این سؤال سه الگوی نظری پیش‌بینی کرده‌اند (نوآکا<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸):

الگوی اول این که فرد در یک زبان دچار لکنت شود و در زبان دیگر کاملاً روان باشد (ون رایپر<sup>۲</sup>، ۱۹۷۱؛ دال<sup>۳</sup>، ۱۹۷۷) که پژوهشگران امکان ظهور این الگو را نادر و ناشی از نبود مهارت در یکی از زبان‌ها یا فشارهای محیطی ناشی از کمبود مهارت‌های زبانی در یک زبان می‌دانند.

الگوی دوم بر پایه فرضیه تشابه قرار دارد. براساس این فرضیه، الگوی کلامی برخی از افراد دوزبانه دچار لکنت، از لحاظ شدت و نوع ناروانی‌ها، در دو زبان مشابه است (نوآکا، ۱۹۸۸). در تأیید وقوع این الگو فقط دو گزارش موردی از ون رایپر (۱۹۷۱) و لبرون<sup>۴</sup>، ییلولد<sup>۵</sup> و روزآ<sup>۶</sup> (۱۹۹۰) نقل شده است که دلیل آن را نیز ضایعه مغزی ذکر کرده‌اند.

الگوی سوم، وقوع ناروانی متفاوت در دو زبان است. گزارش‌های جایارام<sup>۷</sup> (۱۹۸۳)، نوآکا (۱۹۸۸)، جانکلویترز<sup>۸</sup> و بورتز<sup>۹</sup> (۱۹۹۶)، اسکات تراوتمن<sup>۱۰</sup> و کلر<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۰)، لیم<sup>۱۲</sup>، لینکلن<sup>۱۳</sup>، چان<sup>۱۴</sup> و آنسلاو (۲۰۰۸) و ون بورسل و همکاران (۲۰۰۹) وقوع این الگو را تأیید می‌کند. در مورد الگوی ظهور ناروانی‌ها و عوامل مؤثر بر آن، اختلاف نظر زیاد است. جایارام (۱۹۸۳) با مطالعه ۱۰ دوزبانه مبتلا به لکنت گزارش کرد که شدت لکنت در زبان مادری بیشتر از زبان دوم است. براساس گزارش نوآکا (۱۹۸۸)، عوامل اجتماعی-روان‌شناختی نقش مهمی در نوع الگوی لکنت دارند. براساس استدلال او ناروانی در زبانی بیشتر است که تجارب منفی فرد از آن زبان در خانه یا مدرسه بیشتر باشد. به نظر گروهی از پژوهشگران، ناروانی افراد مبتلا به لکنت در زبان غالب کمتر از زبان غیرغالب است (جانکلویترز و بورتز، ۱۹۹۶؛ اسکات تراوتمن و کلر، ۲۰۰۰؛ لیم و همکاران ۲۰۰۸). ون بورسل و همکاران (۲۰۰۹) در گزارشی

1- Nwokah	2- van Riper
3- Dale	4- Lebrun
5- Bijleveld	6- Rousseau
7- Jayaram	8- Jankelowitz
9- Bortz	10- Scott Trautman
11- Keller	12- Lim
13- Lincoln	14- Chan

تعداد افعال جمله، میانگین تعداد بندهای وابسته در جمله و شاخص غنای واژگانی (نسبت نوع به تعداد واژه<sup>۱</sup>) به کار رفت. سرعت گفتار با معیار تعداد واژه در دقیقه محاسبه گردید. سایر مشخصه‌ها نیز در هر نمونه گفتار استخراج و برای هر زبان جداگانه محاسبه شد. این شاخص‌ها در مطالعات مختلف با موضوع دانش و مهارت زبانی افراد دچار لکنت مورد استفاده قرار گرفته است (نیلی‌پور، ۱۳۷۲ و ۱۳۸۱؛ کلوس و همکاران، ۱۹۹۵؛ سیلورمن و رتنر، ۲۰۰۲؛ هاول، دیویس و آ-یونگ، ۲۰۰۳). اطلاعات حاصل با کمک نرم‌افزار SPSS و آزمون t در دو زبان مقایسه گردید.

### یافته‌ها

میانگین سنی شرکت‌کنندگان  $10/74 \pm 1$  سال و زبان مادری همه آنها کردی و فارسی زبان دوم آنها بود. شروع یادگیری دوزبان در هیچ کدام از شرکت‌کنندگان همزمان نبود و همه آنها بعد از کسب مهارت در زبان اول، یادگیری زبان دوم را شروع کرده بودند. میانگین سن شروع یادگیری زبان فارسی ۵،۱۲ سال (۵ سال و ۴۳ روز) و میانگین سن شروع لکنت ۴/۹۶ (۴ سال و ۱۱ ماه و ۱۷ روز) بود. ۲۷ نفر (۸۷ درصد) زبان فارسی (زبان دوم) را در محیط آموزشی (مدرسه، مهد کودک و پیش‌دبستان)، دو نفر (۶،۵ درصد) در خانه، و دو نفر (۶،۵ درصد) از طریق تلویزیون یاد گرفته بودند. هیچ کدام از نمونه‌های مورد مطالعه، در زمینه خواندن و نوشتن کردی آموزش ندیده بودند و قادر به این کار نیز نبودند. نتایج این پژوهش نشان داد که نزدیک به ۹۳ درصد شرکت‌کنندگان در پژوهش، دوزبانه‌های آموزشی و فقط ۶/۵ درصد دوزبانه‌های طبیعی هستند. همه آنها زبان دوم را فقط در مدرسه به کار می‌بردند و بنابراین دوزبانه‌های خانه-مدرسه بودند. همه شرکت‌کنندگان بعد از کسب مهارت در زبان

در شروع از هر کدام از دانش‌آموزان معرفی شده، به مدت ۱۰ دقیقه، دونمونه گفتار توصیفی (اول به زبان کردی و بعد به زبان فارسی) ضبط شد. برای این کار تصویر شش تایی آزمون زبان‌پریشی فارسی (نیلی‌پور، ۱۳۷۲) به کار رفت. حین توصیف داستان، گفتار شرکت‌کنندگان ضبط و با استفاده از نرم‌افزار Windows Media Player به روش بین‌المللی آوانگاری شد. در ادامه، شدت ناروانی در ۱۰۰ هجای دوم هر یک از نمونه‌های گفتاری با استفاده از معیار ناروانی‌های شبه‌لکنت<sup>۱</sup> و فرمول  $(2.DP) + (PW+SS).RU$  محاسبه گردید. در این فرمول PW<sup>۲</sup> به معنی تکرار بخشی از کلمه، SS<sup>۳</sup> به معنی تکرار واژه‌های تک هجا، RU<sup>۴</sup> نشان‌دهنده واحد تکرار و DP<sup>۵</sup> به معنای گسیختگی آواسازی (شامل کشش و گیر یا قفل<sup>۶</sup>) است. این فرمول اولین بار به وسیله آمبروز<sup>۷</sup> و یایری<sup>۸</sup> (۱۹۹۹) به منظور ایجاد یک مبنای کمی مناسب برای تشخیص افتراقی لکنت معرفی شد و در داخل کشور به وسیله یادگاری، صالحی و زندیه (۱۳۸۲) مورد استفاده قرار گرفت. براساس این فرمول، فردی با شدت ناروانی بیش از چهار، مبتلا به لکنت است.

اولین شرط ادامه حضور شرکت‌کنندگان این بود که شدت ناروانی آنها حداقل در یکی از زبان‌ها چهار باشد. به این ترتیب، ۳۵ نفر (۱۹ پسر و ۱۶ دختر) مبتلا به لکنت تشخیص داده شدند. شرط دوم، اخذ رضایت‌نامه کتبی از والدین و اعلام آمادگی خود دانش‌آموزان بود که در نهایت والدین ۳۱ دانش‌آموز (۱۶ پسر و ۱۵ دختر) مبتلا به لکنت رضایت‌نامه را امضا کردند. از این تعداد، ۱۶ نفر در پایه چهارم و ۱۵ نفر در پایه پنجم تحصیل می‌کردند. در ادامه، والدین پرسشنامه حاوی اطلاعات جمعیت‌شناختی را تکمیل نمودند.

در مرحله بعد، نمونه‌های گفتاری شرکت‌کنندگان از لحاظ مهارت زبانی در دو زبان کردی و فارسی تحلیل شد. برای محاسبه مهارت زبانی، شاخص‌های پیچیدگی زبان شامل میانگین طول گفتار<sup>۹</sup> (MLU)، میانگین طول پنج جمله طولانی، میانگین

1- stuttering like dysfluencies  
2- part-word repetition  
3- single-syllable  
4- repetition unit  
5- dysrhythmic phonation  
6- block  
7- Ambrose  
8- Yairi  
9- mean length of utterances  
10- Type Token Ratio (TTR)

جدول، میانگین طول جمله، میانگین طول پنج جمله طولانی، تعداد فعل در جمله و تعداد بندهای وابسته جمله در زبان فارسی به طور معنادار بیشتر از کردی است ( $p < 0/05$ ). شاخص غنای واژگانی در زبان فارسی بیشتر از کردی است، اما این تفاوت از لحاظ آماری معنادار نیست. جدول ۲ متغیرهای سرعت گفتار و شدت ناروانی را در دو زبان مقایسه می‌کند. براساس نتایج این جدول، سرعت گفتار در زبان کردی به طور معنادار بیشتر از فارسی ( $p = 0/023$ ) و شدت ناروانی در زبان فارسی به طور معنادار بیشتر از زبان کردی است ( $p < 0/000$ ).

مادری، یادگیری زبان فارسی را شروع کرده و بنابراین دوزبانه-های ناهمزمان بودند. براساس سن یادگیری زبان دوم، نوع دوزبانگی شرکت‌کنندگان، دوزبانگی دوران کودکی یا دوزبانگی زود هنگام بود. اختلاف مهارت زبانی شرکت‌کنندگان در دو زبان معنادار و بنابراین نوع دوزبانگی آنها از لحاظ مهارت زبانی دوزبانگی نابرابر بود.

براساس معیار این پژوهش، همه شرکت‌کنندگان در هر دو زبان لکنت داشتند. جدول ۱ شاخص‌های مورد مطالعه در دو زبان کردی و فارسی را با هم مقایسه می‌کند. براساس نتایج این

جدول ۱- مقایسه شاخص‌های کیفیت گفتار بین دو زبان کردی و فارسی

متغیر	زبان	میانگین	انحراف معیار	معناداری
میانگین طول گفته	کردی	۴/۴	۰/۵۳	۰/۰۰۰
	فارسی	۵/۱۴	۱/۰۶	
طول پنج جمله طولانی	کردی	۶/۱۴	۱/۰۸	۰/۰۰۰
	فارسی	۷/۱۸	۱/۶۷	
تعداد فعل در جمله	کردی	۱/۱۹	۰/۱۱	۰/۰۰۱
	فارسی	۱/۳۱	۰/۱۷	
تعداد بندهای وابسته در جمله	کردی	۰/۱۳	۰/۰۵	۰/۰۱۹
	فارسی	۰/۱۹	۰/۱۱	
غنای واژگانی	کردی	۰/۴۶۹	۰/۰۵	۰/۷۷۳
	فارسی	۰/۴۷۳	۰/۰۷	

جدول ۲- مقایسه سرعت گفتار و شدت ناروانی دو زبان

متغیر	زبان	میانگین	انحراف معیار	معناداری
سرعت گفتار	کردی	۸۰/۲۴	۲۰/۳۹	۰/۰۲۳
	فارسی	۷۴/۲۴	۲۰/۶۱	
شدت لکنت	کردی	۲۱/۱۹	۲۱/۲۳	۰/۰۰۰
	فارسی	۲۵/۹۰	۲۱/۶۷	

## نتیجه‌گیری

میانگین شاخص‌های کیفیت گفتار و غنای واژگانی در زبان فارسی بیشتر از کردی بود. اما تفاوت در شاخص غنای واژگانی معنادار نبود. براساس نتایج جدول ۱، زبان غالب شرکت‌کنندگان، فارسی بود. این نتیجه با توجه به کردی بودن زبان مادری آنها عجیب به نظر می‌رسد که دلیل آن را باید در آموزش و استفاده مستمر دانش‌آموزان از زبان فارسی بعد از ورود به نظام آموزشی جست‌وجو کرد. نمونه مورد مطالعه ما چهار تا پنج سال تحت آموزش فشرده زبان فارسی بوده که احتمالاً باعث تقویت آن، به‌خصوص از لحاظ ساختاری (طول و پیچیدگی) شده است. از سوی دیگر، آموزش ندادن زبان مادری، این زبان را در وضعیت ضعیف‌تر یادگیری قرار داده بود.

براساس یافته‌های مطالعه، دانش‌آموزان در هر دو زبان ناروانی داشتند و هر دو زبان کردی و فارسی تحت تأثیر لکنت گسیخته و ناروان شده بود. در این زمینه نتایج ما با یافته‌های ون رایپر (۱۹۷۱) و دال (۱۹۷۷) اختلاف دارد. همان‌طور که ذکر شد، نتایج گزارش‌شده این پژوهشگران ناشی از فقدان مهارت زبانی در یکی از زبان‌ها یا فشارهای اجتماعی بوده است که ظاهراً هیچ‌کدام از این دو حالت در شرکت‌کنندگان ما وجود نداشت. یافته‌ها نشان دادند که شدت ناروانی در دو زبان کردی و فارسی متفاوت است که از این نظر با نتایج مک‌کای<sup>۱</sup> و براومن<sup>۲</sup> (۱۹۶۹)، جایارام (۱۹۸۳)، رتنر و بنیتز (۱۹۸۵)، نوکا (۱۹۸۸)، جانکلویترز و بورتز (۱۹۹۶)، اسکات تراوتمن و کلر (۲۰۰۰)، لیم و همکاران (۲۰۰۸) و ون بورسل و همکاران (۲۰۰۹) همخوانی دارد. از طرفی این نتیجه با گزارش‌های ون رایپر (۱۹۷۱) و لبرون و همکاران (۱۹۹۰) اختلاف دارد که شاید به دلیل حجم نمونه، نوع اختلال و نوع دوزبانگی افراد مطالعه باشد. دو مطالعه فوق، گزارش‌های موردی بودند و لذا نتایج آنها تعمیم‌ناپذیر. مورد لبرون و همکاران (۱۹۹۰) نیز بعد از ضایعه مغزی، در دو زبان

دچار ناروانی (لکنت اکتسابی<sup>۳</sup>) شده بود، در حالی که نمونه‌های مورد مطالعه ما مبتلا به لکنت دوران رشد<sup>۴</sup> بودند.

از لحاظ تأثیر مهارت زبانی بر شدت ناروانی‌های دوزبان، یافته‌های مطالعه ما با نتایج جایارام (۱۹۸۳)، و ون بورسل و همکاران (۲۰۰۹) همخوانی و با نتایج جانکلویترز و بورتز (۱۹۹۶)، اسکات تراوتمن و کلر (۲۰۰۰) و لیم و همکاران (۲۰۰۸) تفاوت دارد که یکی از دلایل این تفاوت، جامعه مطالعه و تعداد نمونه‌هاست. هر دو مطالعه جانکلویترز و بورتز (۱۹۹۶) و اسکات تراوتمن و کلر (۲۰۰۰) گزارش‌های موردی بودند، در حالی که پژوهش حاضر ۳۱ نفر را مورد بررسی قرار داده است. نوع دوزبانگی و جفت‌زبان‌های مورد مطالعه، از دیگر دلایل عمده تفاوت بودن نتایج است. ابزارها و روش مطالعه نیز در تفاوت نتایج مؤثر بود. در مطالعه لیم و همکاران (۲۰۰۸) مهارت زبانی به روش خود گزارش‌دهی<sup>۵</sup> ارزیابی شده است، در حالی که ما برای ارزیابی مهارت زبانی از تحلیل دقیق گفتار پیوسته شرکت‌کنندگان، و بررسی شاخص‌های پیچیدگی و روانی گفتار استفاده کردیم. همچنین، روش تعیین شدت لکنت نیز می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار بر تفاوت نتیجه باشد.

برای توجیه وضعیت مشاهده شده در این مطالعه، توجه به مسایل نگرشی و انگیزشی مهم به نظر می‌رسد. همان‌طور که مطرح شد، در زبان آموزی، نگرش زبان‌آموز به زبان و فرهنگ دوم مسئله حائز اهمیت است. از طرفی انگیزه که خود متأثر از نگرش است، تأثیر زیادی بر فرآیند زبان‌آموزی دارد. به نظر می‌رسد که بیشتر شرکت‌کنندگان مطالعه حاضر (۸۷ درصد) زبان فارسی را با انگیزه استفاده ابزاری و به اجبار یاد گرفته بودند و از آن فقط در آموزش و تحصیل استفاده می‌کردند. ذکر این نکته لازم است که مطالعه در مورد نگرش افراد به یادگیری زبان دوم و انگیزه آنها برای این یادگیری، و در نهایت تأثیر این عوامل بر شیوع و شیوه بروز لکنت در افراد دوزبانه مبتلا به لکنت نیازمند پژوهش‌های بیشتر است.

1- MacKay  
3- acquired stuttering  
5- self-reporting

2- Browman  
4- developmental stuttering

و بیشتر شرکت‌کنندگان با زبان مادری است که باعث شده آنها در این زبان کمتر دچار لکنت شوند.

### سپاسگزاری

از مدیران، معلمان و دانش‌آموزان شهر جوانرود برای همکاری در این پژوهش تشکر کرده و تلاشم را تقدیم می‌کنم به روح برادرم که در انجام این پژوهش بسیار یاری‌ام داد.

دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۳/۱۰؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۹/۴

چنان‌که ذکر شد، نواکا (۱۹۸۸) و ون بورسل و همکاران (۲۰۰۹) برای توجیه نتایج مشابه مطالعه حاضر، به عوامل اجتماعی-روان‌شناختی اشاره کرده و معتقد بودند که ناروانی در زبانی بیشتر است که فرد تجارب منفی بیشتری از آن دارد. در جامعه مطالعه ما، آموزش فقط به زبان فارسی بود و از آنجا که در کشور ما فرآیند تحصیل و آموزش هنوز خوشایند و همراه با تجارب لذت‌بخش نیست، طبیعی است که دانش‌آموزان از این زبان تجارب منفی بیشتری داشته باشند. به همین دلیل نیز ناروانی شرکت‌کنندگان ما در زبان فارسی با وجود غالب بودن آن بیشتر بود. توجیه دیگر این وضعیت، احتمال وجود پیوند عاطفی قوی‌تر

### منابع

- اگرادی، و، دابروولسکی، م، و آرنف، م. (۱۳۸۰). *درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر* (ترجمه ع. درزی). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- نیلی‌پور، ر. (۱۳۷۲). *آزمون زبان‌پرسی فارسی*. تهران: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- نیلی‌پور، ر. (۱۳۸۱). *زبان‌شناسی و آسیب‌شناسی زبان*. تهران: انتشارات هرمس.
- یادگاری، ف، صالحی، ا، و زندیه، م. (۱۳۸۲). *تشخیص افتراقی لکنت اولیه و ناروانی طبیعی در کودکان*. فصلنامه توانبخشی، ۱۳ و ۱۴، ۴۸-۴۵.
- Ambrose, N. G., & Yairi, E. (1999). Normative disfluency data for early childhood stuttering. *Journal of Speech, Language, and Hearing Research, 42*, 895-909.
- Anderson. J. D., & Conture, E. G. (2000). Language abilities of children who stutter: A preliminary study. *Journal of Fluency Disorders, 25*, 283-304.
- Attansio, J. S., Onslow, M., & Packman, A. (1998). Representativeness reasoning and the search for the origins of stuttering: A return to basic observation. *Journal of Fluency Disorders, 23*, 265-277.
- Au-Yeung, J., Howell, P., Davis, S., Charles, N., & Sackin, S. (2000). *UCL survey on bilingualism and stuttering*. Paper presented at the 3rd World Congress on Fluency Disorders, Nyborg, Denmark.
- Battle, D. E. (2002). Fluency disorders. In T. L. Robinson & T. A. Crowe (Eds), *Communication disorders in multicultural populations* (pp: 267-297), U.S.A: Butterworth-Heinemann.
- Ratner, N. B., & Benitz, M. (1985). Linguistic analysis of a bilingual stutterer. *Journal of Fluency Disorders, 10*, 211-219.
- Bloodstein, O. (2006). Some empirical observations about early stuttering: A possible link to language development. *Journal of Communication Disorders, 39*, 185-191.
- Bloodstein, O. (1995). *A handbook on stuttering*. San Diego, CA: Singular Publishing Group.
- Dale, P. (1977). Factors related to dysfluent speech in bilingual Cuban-American adolescents. *Journal of Fluency Disorders, 2*, 311-314.
- Howell, P., Davis, S., & Au\_Yeung, J. (2003). *Syntactic development in fluent children, children who stutter, and children who have English as an additional language*. Department of Psychology, University college, London, UK.
- Howell, P., Davis, S., & Williams, R. (2009). The effect of bilingualism on stuttering during late childhood. *Archives of Disease in Childhood, 94*, 42-46.

- Ingham, R. J. (2001). Brain imaging studies of developmental stuttering. *Journal of Communication Disorders, 34*, 493-513.
- Jankelowitz, D. L., & Bortz, M. A. (1996). The interaction of bilingualism and stuttering in an adult. *Journal of Communication Disorders, 29*, 223-234.
- Jones, R. D., White, A. J., Lawson, K. H. C., & Anderson, T. J. (2002). Visuo-perceptual and visuomotor deficits in developmental stutterers: An exploratory study. *Human Movement Science, 21*, 603-619.
- Jayaram, M. (1983). Phonetic influences on stuttering in monolingual and bilingual stutterers. *Journal of Communication Disorders, 16*, 278-297.
- Karniol, R. (1992). Stuttering out of bilingualism. *First Language, 12*, 255-283.
- Kelly, E. M. (2000). Modeling stuttering etiology: Clarifying levels of description and measurement. *Journal of Fluency Disorders, 25*, 359-368.
- Kent, R. D. (2000). Research on speech motor control and its disorders: A review and prospective. *Journal of Communication Disorders, 33*, 391-428.
- Kloth, S. A. M., Janssen, P., Kraaiaat, F. W., & Brutten, G. J. (1995). Speech-motor and linguistic skills of young stutterers prior to onset. *Journal of Fluency Disorders, 20*, 157-170.
- Lebrun, Y., Bijleveld, H., & Rousseau, J. J. (1990). A case of persistent neurogenic stuttering following a missile wound. *Journal of Fluency Disorders, 15*, 251-258.
- Lim, V. P. C., Lincoln, M., Chan, Y. H., & Onslow, M. (2008). Stuttering in English-Mandarin bilingual speakers: The influence of language dominance on stuttering severity. *Journal of Speech, Language, and Research, 51*(6), 1522-1537.
- MacKay, D. G., & Bowman, R. W. (1969). On producing the mining in sentences. *American Journal of Psychology, 82*, 23-39.
- Nwokah, E. E. (1988). The imbalance of stuttering behavior in bilingual speakers. *Journal of Fluency Disorders, 13*, 357-373.
- Scott Trautman, L., & Keller, K. (2000). *Bilingual intervention for stuttering: A case in point*. Paper presented at the meeting of the American Speech-Language-Hearing Association, Washington, DC.
- Silverman, S., & Ranter, N. B. (2002). Measuring lexical diversity in children who stutter: Application of VOCD. *Journal of Fluency Disorders, 27*, 289-304.
- Stern, E. (1948). A preliminary study of bilingualism and stuttering in four Johannesburg schools. *Journal of Logopaedics, 1*, 15-25.
- Travis, L. E., Johnson, W., & Shover, J. (1937). The relation of bilingualism to stuttering. *Journal of Speech Disorders, 2*, 185-189.
- Van Borsel, J., Maes, E., & Foulon, S. (2001). Stuttering and bilingualism: A review. *Journal of Fluency Disorders, 26*, 179-205.
- Van Borsel, J., Meirlaen, A., Achten, R., Vingerhoets, G., & Santens, P. (2009). Acquired stuttering with differential manifestation in different languages: A case study. *Journal of Neurolinguistics, 22*, 187-195.
- Van Riper, C., (1971). *The nature of stuttering*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.